



دگرشناسی مؤلفه‌های معماری بومی در فرهنگ و معماری ایرانی

هوشنگ فروغمند اعرابی^{1*}، سوگل هاشمی دهقی²

1- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته مهندسی معماری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جنوب. Email: h_foroughman@yahoo.com

2- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته مرمت ابنیه تاریخی، تهران، دانشگاه تهران. Email: sogol_h1991@yahoo.com

چکیده

برخلاف تلاش‌هایی که در زمینه بوم و بومی سازی مفاهیم در حوزه معماری و دانش‌های مرتبط صورت گرفته است، عدم توجه کافی به معیارهای بومی سبب گردیده است تا با نگاهی غیر بومی به ارزش‌های بومی و معماری بومی پرداخته شود. سوال این پژوهش این است که آیا می‌توان معیارهایی کارآمد در شرایط کنونی در جهت شناخت معماری بومی و به تبع آن بومی سازی معماری در نظر گرفت؟ بدین منظور با نگاه دگرشناسی به مفاهیم معماری بومی ایران در قالب مؤلفه‌های دانش بومی، فرهنگ بومی، اقتصاد بومی، اجتماع بومی، اقلیم، مصالح بومی و زیبایی‌شناسی بومی، سعی شده است تا ارتباط این مؤلفه‌ها با معماری بومی روشن گردد. مبانی نظری این تحقیق در حوزه بنیادی و نظری است و با روش توصیفی-تحلیلی، رویکردی تجزیه‌ای را در انتخاب مؤلفه‌های اصلی داشته است که در نهایت با انطباق این مؤلفه‌ها بر یکدیگر به ارائه نتیجه‌گیری پرداخته است. در پایان نتایج تحقیق انجام شده نشان می‌دهد که عدم توجه صحیح به مؤلفه‌های بومی باعث ایجاد جدایی میان معماری امروز و ارزش‌های بومی شده است و با درک عمیق ریشه‌های هر یک از مؤلفه‌ها و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌توان زمینه تقویت معماری بومی و بومی سازی دانش معماری را فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: معماری بومی، ارزش‌های بومی، دگرشناسی مفاهیم، معماری ایرانی، دانش بومی، زیبایی‌شناسی بومی.

مقدمه

اهمیت معماری بومی در نزد معماران در زمانی آغاز گردید که می‌توان گفت فاصله جدی‌ای میان معماری رایج و معماری بومی مشاهده می‌شد. "فاصله میان گذشته و حال منجر به نابودی فرهنگ بومی، معماری بومی و صنایع مرتبط به آن شده است که همین امر توجه به تاریخ، علوم و فنون و کالبد معماری بومی را می‌طلبد." [1]

هنگامی که مشاهده شد که معماران مدرن با دانشی که در اختیار دارند نمی‌توانند پاسخگویی مناسبی به نیازهای مردمان یک بوم خاص داشته باشند، به ارائه نظریاتی در ارتباط با معماری بومی پرداختند. "اصطلاح معماری بومی برای نخستین بار در قرن نوزدهم توسط نظریه‌پردازهای معماری مطرح شد و به ساختمان‌های سنتی روستایی پیش از دوره صنعتی اطلاق شد." [2] اما بحثی که به طور جدی در این رابطه مورد غفلت واقع می‌شود، ریشه‌های فرهنگی مرتبط با هر بوم است. چرا که این ریشه‌ها و ارزش‌های نهفته در آن صرفاً به عنوان یک پارامتر رفتاری در طراحی‌ها و نظریات مرتبط با این گونه طراحی‌ها در نظر گرفته شده‌اند، و عمیقاً واکاوی نشده یا اصل را معماری مدرن در نظر گرفته و درصدد انطباق ویژگی‌های بومی در معماری با معیارهای غیربومی بوده‌اند. در این زمینه آموزش معماری که از پایه‌ای‌ترین مباحث مطرح در روند چگونگی شکل‌گیری معماری است معیارها جدید و نوینی برای آن تعریف شده است که با فرهنگ اصیل ما فاصله دارد. [3]

در این پژوهش سعی بر آن شده است که با نگاهی دوباره و دگرشناسانه به بررسی برخی مؤلفه‌های شکل‌دهنده معماری بومی پرداخته شود. دگرشناسی ذکر شده نه فقط به معنای دوباره‌اندیشی به برخی مفاهیم بلکه به معنای بررسی دوباره ریشه‌های فرهنگی و معانی ژرف آنها به کار گرفته شده است؛ چرا که دگرگونی فرهنگ و به تبع آن ارتقای معماری متناسب با بوم و فرهنگ، بدون دگرشناسی مفاهیم مرتبط با فرهنگ ایرانی میسر نخواهد شد.

واژه بوم در بسیاری از متون به مفهوم ارتباط با یک خطه خاص جغرافیایی به کار گرفته شده است [4] و معماری بومی نیز معماری‌ای دست نخورده و دارای قدمت عنوان می‌گردد یا به عنوان فضاهای دورمانده از گزند تجدد در ذهن ما تداعی می‌شود که به عنوان ارزش در دنیای فراتجدد امروز مطرح می‌شود. حال آنکه در این گفتار، بوم و معماری بومی به عنوان معماری‌ای که در حال حاضر هم در شهرهای ایران رایج است، در نظر گرفته شده است. به این معنا که در حال حاضر نیز معماری شهری مانند تهران، همان گونه که مردمان تهرانی در جای جای آن فرهنگ خاصی دارند، معماری‌ای متناسب با بوم خود را دارا است. در این میان مسئله اصلی میزان توجه به ارزش‌های بومی و توجه به قابلیت پویایی در معماری بومی است. با بررسی برخی از این مؤلفه‌ها می‌توان میزان نزدیکی یا دوری با ارزش‌های بومی در حال حاضر و همچنین هدفی متناسب با این ارزش‌ها در آینده مشخص کرد.

روش تحقیق

از آنجا که این پژوهش ماهیتی «بنیادی و نظری» دارد، لذا در حوزه مبانی نظری روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» می‌باشد. بدین منظور با بهره‌گیری از روش «اسنادی» توسط ابزار گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش فیش‌برداری در متون به «تحلیلی استدلالی» پرداخته است. در بیان مؤلفه‌های مرتبط با موضوع کلی ماهیت این پژوهش «رویکردی تجزیه‌ای» را اتخاذ نموده است تا بتواند مؤلفه‌ها یا بخش‌هایی کوچک‌تر از موضوع را با توجه به روش «فراتحلیلی» مورد نقد و بررسی قرار دهد. پس از بررسی هر یک از مؤلفه‌ها، با ارائه نتیجه‌گیری به انطباق مؤلفه‌ها بر یکدیگر پرداخته شده است. ماهیت پژوهش رویکردی اکتشافی است و می‌تواند

بستری برای دیگر پژوهش‌هایی مانند پژوهش‌های کاربردی و یا اقدام پژوهی باشد، چرا که این پژوهش‌ها از تحقیقات کیفی حاصل می‌شوند.

دانش و معماری بومی

چهارچوب‌های نظری هر رشته‌ای بنا بر مشخصه‌های ارزشی افرادی که در آن رشته تأثیرگذاری داشته‌اند، دارای سوگیری‌های خاصی است. خود این ارزش‌ها علاوه بر ارزش‌های فردی حاصل از برخی ارزش‌هایی است که این افراد از فرهنگی که در آن زیسته‌اند، کسب کرده‌اند. در ضمن حمایت‌های مالی نیز در این زمینه بی‌تأثیر نخواهد بود و پژوهش اغلب توسط نهادهایی حمایت مالی می‌شود که اهداف خاصی را دنبال می‌کنند. همچنین تحلیل یک فرد از مفاهیم، تحت تأثیر جهان بینی او خواهد بود. [5] حال آنکه دانش بدون مرز که بسیار مورد توجه برخی از نظریه پردازان مدرن قرار دارد و آن را غالباً امری غیر بومی در نظر گرفته‌اند، شاید در برخی مسائل بدون مرز کارا باشد اما در جواب‌گویی به مسائل هویتی و فرهنگی ناتوان است. دانش بومی دارای معانی متعدد می‌باشد، در برخی منابع منظور از دانش بومی، دانش منطبق بر شرایط حاکم بر یک محیط است، این مفهوم از بومی‌سازی دانش در معماری نسبت به علوم انسانی بیشتر مورد توجه است؛ در علوم انسانی بومی‌سازی بیشتر معنای تولید دانش منطبق بر ارزش‌ها و اهداف خاص جامعه را داراست. [6] بنابراین نیاز به تولید دانش بومی معماری در حوزه مبانی نظری ضروری می‌نماید. با توجه به پویایی دانش این مهم در صورتی می‌تواند حاصل شود که علاوه بر شناخت بوم مورد نظر، دانش‌های دیگر نیز به گونه‌ای وارد حیطه مقصد شوند که ارزش‌های مطروحه زیرپا گذارده نشوند. اطلاعات و دانش درباره ایده‌ها و مهارت‌های جدید و بسیاری از فن‌آوری‌های نو را به سختی به دیگر فرهنگ‌ها و کشورها انتقال داده می‌شود. حتی بعد از اینکه به یک زمینه فرهنگی جدید معرفی شده‌اند، یا به صورت جزئی اجرا شده‌اند با زمینه فرهنگی آنها سازگار نبوده‌اند و یا به صورت‌های گوناگون جایگزین گشته‌اند و حتی در برخی موارد نادیده گرفته شده‌اند و کم‌کم به دست فراموشی سپرده شدند. به نظر می‌رسد که این مشکل می‌تواند با استفاده از توانایی طراحان و افرادی که در ترویج تکنولوژی‌های جدید نقش دارند، تا حدودی برطرف شود، با این شرط که این افراد به انتظارات و آرزوها و نیازهای فرهنگی محلی توجه لازم را نشان دهند. [7]

حال نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این مسئله است که آیا اساساً دانشی که در حال حاضر در میان جامعه ایرانیان مطرح است، منطبق با فرهنگ و دانش بومی و ارزش‌های ایرانی هست یا خیر؟ وضعیت آن بخش از معماری که با نگاه به دانش نیز مرتبط است، به تبع آن تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. به این علت که توجه به دانش بدون معیار امکان پذیر نبوده و در نظر گرفتن این‌گونه معیارها نیز متعاقباً در ارزش‌گذاری باقی مسائل مرتبط دخیل خواهد بود.

علم رسمی‌سر به سر قیل است و قال نه از او کیفیتی حاصل، نه حال [8]

مسئله دانش به دوگونه در فرهنگ ایرانی نزد عالمان و عارفان مورد بحث بوده است. گونه نخست وجهه‌ای از نادانی دانسته‌اند که لباس ظاهری دانایی بر آن پوشیده است و گونه‌ای دیگر دانایی حقیقی دانسته‌اند و آن زمان که نیاز زمانه بوده است، به آگاهی‌سازی جامعه می‌پرداختند. کتاب «احیای علوم الدین» محمد غزالی نیز اساساً به این مسئله پرداخته است. چپستی علم و دانایی در متونی چون مثنوی معنوی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. [9] بدین ترتیب مشخص می‌شود که در اساس دانش بومی، در نظر گرفتن و تعیین معیارهایی که ریشه در فرهنگ ایرانی داشته باشد، امری ضروری می‌نماید. بدین معنا که اگر دانشی با معیارهایی غربی و غیر بومی به عنوان دانشی بومی مطرح گردد و آن ارزش‌ها در بوم مورد نظر بی‌ارزشی دانسته شود، در حقیقت دانشی غیربومی است.

فرهنگ و معماری بومی

اگر تأثیر انسان را از فرهنگ جداسازی کنیم، چیزی جز طبیعت باقی نمی‌ماند. چرا که خصوصیات و ویژگی‌های طبیعت خود به خودی فرهنگ‌ساز نبوده است و در اقلیم‌های مختلف تأثیر شکل‌گیری بوم‌های مختلف، تنها متأثر از اقلیم و ویژگی‌های جغرافیایی نیست. "معماری بومی از یک فرهنگ مشخص محلی سخن می‌گوید؛ فرهنگی که به دست مردم همان محل شکل می‌گرفت، رشد می‌کرد و در رویدادهای سخت نیز تحت تأثیر قرار می‌گرفت؛ اما به وسیله همان مردم با فرهنگ بومی سازگاری می‌یافت." [10] عنصر فرهنگ خود متأثر از شاخص‌هایی چون اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی است. تأثیر باورهای دینی به قدری عمیق است که حتی در دنیای سکولار امروزی در غرب نیز به چشم می‌خورد. [11] حال آنکه در طول تاریخ تفکر دینی و عرفانی به عنوان عاملی ارزش‌ساز نقش پررنگی در فرهنگ ایرانی ایفا کرده است. این باور در بین ایرانیان پذیرفته شده است که حتی یک دین یکسان در میان اقوام مختلف، می‌تواند به حالت مختلفی بروز کند:

هر کسی را سیرتی بنهادام	هر کسی را اصطلاحی داده‌ام
هندوان را اصطلاح هند مدح	سندیان را اصطلاح سند مدح [12]

در این حال با توجه به تأثیرات و پویایی دین مطابق با عرف این امر مشخص می‌شود که باورهای دینی نیز در بوم‌های مختلف، معماری‌هایی مختلف را پدید آورده‌اند. پس می‌توان رابطه باورهای دینی و معماری را به دو گونه مستقیم در توجه به مقررات دینی و غیر مستقیم در ارزش‌های بومی مشاهده کرد. "معماری بازتاب زندگی کالبدی انسان‌هاست و تمامی ابعاد زندگی وی چون، نیازها، باورها و ... را نشان می‌دهد، بنابراین معماری گذشته، امروز و آینده نمی‌تواند بدون ارتباط با هم باشند." [13] چنان‌که می‌بینیم فرهنگ هر قومی در معماری و فضاهای مرتبط با آن، تأثیرگذار است.

اقتصاد و معماری بومی

کسب و کار و درآمد آن چنان که امروزه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد امری جدا از فرهنگ در نظر گرفته می‌شود. با نگاهی ژرف‌تر به موضوع متوجه می‌شویم که آن چیزی که از گذشته نه چندان دور به عنوان کالاهای اقتصادی شناخته می‌شده است هم اکنون به عنوانی شیء فرهنگی قلمداد می‌شود. این امر امروزه شاید به عنوان تاریخی بودن یک شیء نگاه ما را نسبت به آن تغییر داده باشد، اما هر کالای بومی خواه کاربردی و خواه غیر کاربردی دارای ارزش‌های فرهنگی است و از این طریق ارزش‌های بومی می‌توانند منجر به ارزش‌های اقتصادی شوند. [14] معماری بومی نیز دارای ارزش‌های اقتصادی است. با حفظ این ارزش‌ها و توسعه آن‌ها می‌توان زمینه ساز پویایی اجتماعی بیشتر در چنین فضاهایی شد.

اما آیا خود اقتصاد می‌تواند به خودی خود بخشی از فرهنگ باشد؟ در تعریف واژه اقتصاد در فرهنگ دهخدا، این واژه به طور کلی مفهوم میانه‌روی کردن [15] و تنظیم دخل و خرج را منتقل می‌کند؛ یا به قول سعدی: "باری به نصیحتش گفتم ای فرزند دخل آب روانست و عیش آسیای گردان یعنی خرج فراوان کردن مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن	که می‌گویند ملاحان سرودی
اگر باران به کوهستان نیارد	به سالی دجله گردد، خشک رودی [16]

با دقتی در میراث معماری هم متوجه می‌شویم که تظاهر ثروت‌اندوزی به طور کلی در میان مردم امری ناخوشایند قلمداد می‌شده است و این مدعا از یک دست بودن نماهای بناها و عدم تزئینات در بناهای مسکونی مستفاد می‌گردد. رابطه بین اقتصاد و معماری بومی شاید در وهله اول چندان رابطه کلیدی‌ای به نظر نرسد اما باید توجه شود که اقتصاد و معیارهای اقتصادی نیز امروزه در مسکن و از بین رفتن ارزش‌های بومی نقش به‌سزایی دارد. "با افزایش عامل سرعت و فشردگی بافت شهری، سطح دریافتی مخاطب از کلیت شهر کاهش یافته و این ناخوانایی فضا سبب بروز احساس عدم تعلق به مکان موجود می‌شود. احساسی که با افزایش مزیت‌های اقتصادی شهر نسبت معکوس دارد." [17] این مهم زمانی رخ می‌دهد که ارزش‌های بومی فرهنگی چیزی جدا از ارزش‌های بومی اقتصادی در نظر گرفته شود. به همین علت است که: "پیشرفت‌های اقتصادی مانع توجه به زندگی بومی شده و گویی زندگی سنتی و بومی جواب‌گوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی دوره خود می‌باشد." [18]

از این جهت می‌توان اقتصادی که معیارهایی متناسب با ارزش‌های یک بوم را داراست، جزئی از ارزش‌های آن بوم به شمار درآورد و کوشید که با تقویت بنیان‌های اقتصادی زمینه‌سازی لازم برای تقویت معماری بومی را فراهم آورد. تا جوامع انسانی، غنی و قدرتمند نشوند نمی‌توانند به هموعان خود اعانت نمایند و موجب جذب آنان گردند. اقتصاد و امکانات قوی است که معماری قوی را نیز همراه خواهد داشت و بدون اقتصاد توانمند و امکانات مادی ضعیف، معماری و به طور کلی زیستگاه‌ها نیز در فضای فقر باقی خواهد ماند. [19]

اجتماع و معماری بومی

اجتماع از امور بسیار پر اهمیت و مورد تأکید در فرهنگ ایرانی- اسلامی بوده است. اجتماع نه فقط به علت نزدیکی به یکدیگر در مواجهه با بلاهای طبیعی و یا برطرف کردن نیازهای اولیه بوده است، بلکه این معنا امری آمیخته با همدلی است. «خبر داشتن حال همسایه از همسایه» شاهدهی بر این مدعاست. توجه به خود لغت همسایه که از هم و سایه تشکیل شده است و معنای به اشتراک گذاشتن سایه را دارد و مقایسه با واژه neighbour که صرفاً به معنای نزدیکی است، حاکی از اهمیت اجتماع در فرهنگ ایرانی دارد. جالب است توجه کنیم که واژه آپارتمان امروزی که حتی از نظر فیزیکی، سبب شده است که فاصله میان ساکنین کمتر شود از واژه apart به معنای جدایی مشتق شده است. پر واضح است که این گونه آپارتمان نشینی سنخیتی با ارزش‌های بومی نداشته است و صرفاً به عنوان راهکاری برای زیستن در زندگی امروزی، مفهومی وارداتی و غیر بومی است.

توانگران که به جنب سرای درویشند مروتست که هر وقت از او بیندیشند [20]

سکونت چندین نسل پی در پی هر خانواده در یک محله، وجود روابط همسایگی نزدیک و صمیمانه بین ساکنین و اهالی محله‌ها و یاری رساندن آنها به یکدیگر در مواقع گرفتاری، از جمله خصوصیات اجتماعی مورد علاقه افراد مسن می‌باشد، خصوصیتی که در نظر آنها ارزش‌های بسیار مهمی تلقی می‌شود. این امر تا حدی در بین متمولین و خیرین جاری است که هزینه‌های محله سابق خود چون ساخت مدرسه را برعهده می‌گیرند. اما امروزه به دلیل مهاجرت‌های ساکنین و مشکلات موجود در بافت‌های قدیمی، ارزش‌های اجتماعی ذکر شده و دیگر ارزش‌های اجتماعی در محله‌های قدیمی ضعیف شده و یا از بین رفته است و این امر منجر به از بین رفتن یکپارچگی اجتماعی موجود در محله‌های قدیمی شده است. [21] بدین گونه است که اهمیت فضاهای کالبدی اجتماع‌گرا در معماری مشخص می‌شود. فضاهای درونی‌ای که در گذشته به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر معماری چه به عنوان حیاط مرکزی چه به عنوان اتاق‌هایی مرکزی که به منظور اجتماع اعضای خانواده یا نزدیکان در نظر می‌گرفته شده است، اهمیت اجتماع را

بازگو می‌کند. هر اجتماعی، احترام فوق العاده‌ای، برای فرهنگ، عاداتها و سنت‌هایش قائل است. فرهنگ ایرانی‌ها، به خانواده و خلوت آن احترام می‌گذارد. بر این اساس، آن‌ها دو نوع فضا، در طراحی نشان دادند. فعالیت‌های وابسته به خانواده و خلوت آنها باید در فضای جداگانه‌ای نسبت به فعالیت‌های عمومی مستقر شود. [22]

اقلیم و معماری بومی

اقلیم و بوم دو مفهوم مرتبط با یکدیگر هستند که در برخی موارد مفهوم اقلیم با مفهوم بوم به اشتباه یکسان در نظر گرفته می‌شود. تأثیر اقلیم و عوامل آن مانند توپوگرافی، وضعیت زمین و منابع آب، پوشش گیاهی بر شرایط زندگی نحوه مواجهه با آن تأثیری عمیق است. اقلیم یکی از مهم ترین عوامل زیست محیطی است که در چگونگی رفتار و حالات کلی انسان‌ها نقش اساسی را ایفا می‌نماید. اقلیم دارای تأثیر بسزایی در شکل‌گیری معماری هر مکان می‌باشد. یکی از اثرات مهم اقلیم در زندگی انسان‌ها، ساخت و ساز ابنیه مطابق با این شرایط و ایجاد شرایط آسایش حرارتی به وسیله پارامترهای اقلیمی می‌باشد. ایجاد آسایش در ابنیه از لحاظ سرمایه و گرمایش مهم‌ترین هدف اقلیم معماری می‌باشد. [23] اما باید توجه شود که رابطه انسان و محیط پیرامونش رابطه‌ای صرفاً اقلیمی نیست. چرا که رابطه انسان و طبیعت و دیدگاه انسان به طبیعت که در عصر امروزی رابطه‌ای سلطه‌جو و در جهت رسیدن به امیال و خواسته‌های انسانی قلمداد می‌شود، در چگونگی رو به‌رویی با طبیعت حائز اهمیت است و برای شناخت معماری یک اقلیم ضروری است که تقارن میان اقلیم و نگاه به آن اقلیم بررسی شود. اصل تقارن میان انسان و طبیعت را دریابیم. [24]

معماری در عصر حاضر به مثابه امری مرتبط با تکنولوژی مورد بحث واقع می‌شود و هیدرگ نیز دو تعریف عام برای تکنولوژی ارائه می‌دهد، یکی به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدفی و دیگری به عنوان نوعی فعالیت انسانی [25] در این میان تعرض به طبیعت و سلطه‌جویی به آن به قصد مصرف و سلطه‌جویی خصیصه جدا ناپذیر از پیشرفت تکنولوژی است. " آدمی اشیا را ماده خام آماده مصرف تلقی می‌کند. در این تلقی طبیعت- مادر مهربان در لسان قدیم- به عنوان چیزی که با رویاندن و شکفتن و رشد دادن باطنی را به ظهور می‌رساند و پرورش می‌دهد، به صرف ماده‌ای برای دستیابی به انرژی مبدل و دیدگاه جدیدی از ارض، مسکن و اقامتگاه آدمی پدیدار می‌شود. " [26] این نوع تلقی از طبیعت و محیط پیرامون به طور قطع تحت تأثیر نظریات مرتبط با علم است. جایی که تنها علم مشروع در میان متخصصین معرفت سکولاریزه شده است [27] اهمیت طبیعت نیز و قداستی که جوامع سنتی برای آن قائل‌اند زیر پا نهاده خواهد شد.

مصالح و معماری بومی

سازش انسان با محیط اطراف خود همواره به علت مسائل فیزیولوژیکی نیازمند بهره‌گیری از سرپناه است به همین منظور استفاده از مصالحی که به راحتی در دسترس بوده است، اولین انتخاب برای ساختن در هر محلی بوده است. ارزان بودن و عدم قابلیت جا به جایی مصالح در گذشته باعث گردیده است که معماری سنتی در مناطق مختلف یکپارچگی بصری چه از نظر فرم و چه از نظر رنگ را دارا باشد. بحث دیگر چگونگی استفاده از مصالح بوم‌آورد است. در خطه کویری اگر چه پوشیده از خاک است اما همین خاک به این گونه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که هم با فرهنگ و هم با اقلیم منطقه خود در سازگاری بی‌همتایی است. "معماری بومی شامل اطلاعات اصلی نانوخته‌ای شامل چگونگی بهینه کردن عملکرد (مصرف) انرژی ساختمان‌ها و نحوه استفاده مصالح ارزان محلی می‌باشد. " [28]

علاوه بر اطلاعات نانوشته اقلیمی مذکور، مصالح دارای داده‌های فرهنگی نیز هستند. چرا که فقط به منظور استفاده و بهره‌گیری در جهت خواسته‌ها استفاده نمی‌شوند. به غیر از کاشیکاری‌ها و تزئینات که به واسطه خواص مصالح خود دارای پیام‌هایی فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند، حتی سطوح بی‌تکلف و ساده نمایان‌گر برخی ویژگی‌های بومی است. نادر خلیلی که مدت بسیاری را به جهت یادگیری روش زندگی آنان و بهبود سرپناه‌های ارزان در همجواری مردمان بومی بوده است، در کتاب خود به بسیاری از مسائل فرهنگی و بومی اشاره می‌کند. وی در رابطه با خاک و گل حاصله و بینش مردمان بومی این گونه گفته است:

"خاک رس، هدیه‌ای است از تمدن شرق به غرب. درحالی که محراب‌های معابد غربی از طلا و نقره ساخته شده‌اند، در اینجا انسان‌ها خدای خود را با گذاردن پیشانی بر قطعه‌ای گل خشک شده ستایش می‌کنند." [29]

رابطه میان کشف ویژگی‌های مصالح جدید و یا نوآوری‌های تازه و امکاناتی که به تبع آن در معماری پدید می‌آید بر کسی پوشیده نیست. اما نوع برخورد با جهان پیرامون و مصالح به طور خاص در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. خلیلی در جای دیگر این موضوع را این‌گونه بیان می‌دارد:

"این مشکل بزرگ صنعت امروز است که درک ما نسبت به هر جسمی فقط از طریق لوله‌های آزمایشگاهی جهت داده می‌شود. ما نمی‌توانیم خاک را پدیده‌ای با روح تصور کنیم..... اگر بتوانیم معجزه یگانگی چهارعنصر ساده طبیعت یعنی آب، خاک، باد و آتش را بفهمیم آن‌گاه خواهیم توانست رابطه ابدی میان ماده و روح را درک کنیم" [30]

با توجه به امر فوق معمار می‌تواند بینشی فراتر از حدود فیزیکی به مصالح داشته باشد، چرا که محیط و مصالح پیرامون در متون ایرانی بسیار بررسی شده است و می‌تواند جایگاهی عرفانی داشته باشد این سخن در کلام مولانا در مرتبه‌ای والاتر چنان بیان شده است:

هست محسوس حواس اهل دل

نطق آب و نطق خاک و نطق گل

از حواس اولیا بیگانه است [31]

فلسفی کاو منکر حنانه است

فرم، شکل و معماری بومی

فرم یکی از مفاهیم بسیار کاربردی در نزد هنرمندان است که معانی مختلفی را در خود گرفته است. شکل و فرم و تفاوت این دو مفهوم با یکدیگر در کلام بسیار نادیده گرفته می‌شود. در اینجا فرم حاصل شکل و محتوایی مضاف بر آن شکل در نظر گرفته شده است. بنابراین محتوایی که یک فرم می‌تواند به انحای مختلف در خود دارا باشد، بستگی به عواملی چون شکل، مصالح، رنگ و در سطحی دیگر به عوامل فرهنگی وابسته است. این بدین معناست که دو شکل و حجم یکسان در دو فرهنگ مختلف از هنگام خلق اثری هنری دارای مفاهیم مختلفی است. برای مثال حجم گنبدی شکل در بسیاری از مناطق دنیا حتی امروزه نیز به کار می‌رود اما این ارزش‌های بومی هستند که معنای گنبد را در فرهنگ ایرانی-اسلامی به مفهومی ویژه و خاص در بوم خود تبدیل می‌کند.

از این‌رو است که ریشه‌های زیبایی‌شناسی و اینکه چه چیزی به عنوان ارزش در میان مردان یک بوم مورد توجه است، امری کلیدی است. توجه به صورت و معنا در فرهنگ ایرانی یک توجهی عمیق و حاوی مفاهیم عرفانی است. "برخلاف آنچه بسیاری از پژوهشگران در باب زیبایی و هنر در تفکر اسلامی می‌گویند، نوعی تفکر و معرفت به زیبایی و هنر در اسلام وجود دارد که البته با آنچه در عالم غرب از قرن هیجدهم تحت عنوان aesthetics رایج شد تفاوت اصولی دارد. مبادی هنر و زیبایی در اسلام کاملاً

عرفانی و تابع نگرش معنوی مسلمین به حقیقت و هستی و آدم و عالم است. از این رو فقط با ورود به عرفان اسلامی و انس با آن می‌توان درکش کرد." [32]

نتیجه‌گیری

عدم توجه کافی به ارزش‌های بومی چه در نظر و چه در عمل و ارزش تلقی شدن بی‌ارزشی‌های غالباً غربی، در نگاه اندیشمندان و طراحان حوزه معماری و حوزه‌های مربوطه باعث گردیده است که نه تنها فاصله‌ای جدی میان معماری امروز و ارزش‌های فرهنگی به وجود آید، بلکه این فاصله گاهی مایه مباهات معرفی می‌گردد. به منظور یافتن راه برون رفت از وضعیت کنونی، مؤلفه‌هایی که تأثیری به سزایی در شکل‌گیری معماری بومی، مورد بررسی واقع شدند.

در بدایت امر لزوم خوانشی دوباره از دانش بومی ضروری می‌نماید، چرا که ارزش‌های دانشی می‌توانند معیارهایی بینشی و فرهنگی را به وجود آورند و این معیارها چیزی فراتر از اطلاعات و محاسبات عددی است که در نهایت وارد مبانی نظری معماری بومی نیز می‌شود. نوع نگرش به دانش، اهمیت علم و اینکه چه علمی به عنوان علم حقیقی است، شکل دهنده نگاه مردمان ایران به بحث دانش است که مورد غفلت جدی واقع شده است. در بحث فرهنگ اگر چه نوعی از تفکر پست مدرن نگاهی به ارزش‌های فرهنگی دارد، اما این نگاه با معیارهای غیر از معیارهای بومی و آنچه از دل فرهنگ برون می‌آید است و صرفاً به عنوان پارامترهایی مطرح می‌گردد.

معماری و اقتصاد در یک بوم تأثیر بسیاری در مباحث فرمی و عملکردی دارد. با گسترش تکنولوژی و سرعت ساخت و ساز در حوزه مسکن و دخالت عامل اقتصاد، با اینکه ارزش‌های بومی مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند اما از بین نرفته‌اند. با این حال می‌توان با توجه به این امر چه در حوزه معماری‌های دست نخورده و بکر با تقویت وجه اقتصادی میراث فرهنگی و چه در حوزه معماری‌های شهری با توجه به ارزش‌های اجتماعی، رابطه بین اقتصاد و دیگر ارزش‌های بومی را حتی در بحران‌های اقتصادی تقویت کرد. برای دستیابی به معیارهایی که بتوان اهدافی متناسب با یک بوم، توجه به مؤلفه‌های اجتماع، مصالح، فرم و شکل در حوزه مباحث بومی امری ضروری است. بدین گونه زمینه سازی لازم فراهم می‌آید تا مقررات و ضوابطی مناسب در حوزه عمل تدوین شود. علاوه بر در نظر گرفتن مباحث فوق در مبانی، در نهایت پیشنهاد می‌گردد که در حوزه معماری، به امر بوم جدای از مباحث اقلیمی توجه ویژه‌ای گردد تا دانشجویان امروز و طراحان فردا، علاوه بر تفکر بیشتر در این حوزه بتوانند مبانی نظری‌ای را تولید نمایند که از دل فرهنگ و ریشه این مرز و بوم حاصل شود.

مراجع

- [1] آدریانوآلپانو [و دیگران]، معماری بومی، مترجم: سادات افسری، علی محمد [و دیگران]، نشر فضا، 1384، چاپ دوم.
- [2] Upton, Dell, "The Power Of Things: Recent Studies In American Vernacular Architecture", University of California, 2013.
- [3] آدریانوآلپانو [و دیگران]، معماری بومی، مترجم: سادات افسری، علی محمد [و دیگران]، نشر فضا، 1384، چاپ دوم.
- [4] ذوالفقارزاده، حسن؛ حصاری، پدram، نظریه بوم شناسانه به معماری زیستگاه‌ها، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 145، 1393.
- [5] لنگ، جان، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: عینی‌فر، علیرضا، انتشارات دانشگاه تهران، 1386.
- [6] فروغمند اعرابی، هومن، خبازی، مریم، ارزیابی منابع تأثیرگذار طراحی شهری در ایران بر اساس اهداف بومی‌سازی، در دست تألیف.
- [7] ارمغانی، مریم، یوسف، گرجی مهلبانی، ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 126، 1388.
- [8] شیخ بهایی، نان و حلوا.



- [9] پازوکی، شهرام، احیای علم در مثنوی معنوی، مجله جاویدان خرد، شماره 24، 1392.
- [10] ناری قمی، مسعود، دامیار، سجاد، رویکردها به معماری بومی در نظریه‌پردازی مدرن معماری، مجله شهر و معماری بومی، شماره 3، 1391.
- [11] نصر، سید حسین، در جستجوی امر قدسی، ترجمه: شهرآیینی، سید مصطفی، نشر نی، 1385.
- [12] بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی مولوی.
- [13] آدریانوالپانوو [و دیگران]، معماری بومی، مترجم: سادات افسری، علی محمد [و دیگران]، نشر فضا، 1384، چاپ دوم.
- [14] Glanakopoulou, Stella, Damigos, Dimitris, Kallampakos, Dimitris, "Assessing the Economic Value of Vernacular Architecture of Mountain Regions Using Contingent Valuation", Science Press and Institute of Mountain Hazards and Environment, 2011.
- [15] دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا.
- [16] سعدی، گلستان.
- [17] تقی‌پور، ملیحه، اکبرزاده، محسن، جهانی سازی، گفتگویی درونی با معماری بومی، مجله منظر، شماره 12، 1389.
- [18] آدریانوالپانوو [و دیگران]، معماری بومی، مترجم: سادات افسری، علی محمد [و دیگران]، نشر فضا، 1384، چاپ دوم.
- [19] ذوالفقارزاده، حسن؛ حصاری، پدram، نظریه بوم‌شناسانه به معماری زیستگاه‌ها، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 145، 1393.
- [20] مُصلِح‌الدین بن عبدالله، ابومحمد (سعدی)، غزلیات.
- [21] توسلی، محمود، طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، نشر فرهنگ اسلامی، 1370.
- [22] ارمغانی، مریم، یوسف، گرجی مهلبانی، ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 126، 1388.
- [23] ارمغانی، مریم، یوسف، گرجی مهلبانی، ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 126، 1388.
- [24] آدریانوالپانوو [و دیگران]، معماری بومی، مترجم: سادات افسری، علی محمد [و دیگران]، نشر فضا، 1384، چاپ دوم.
- [25] کوون، تامسون [و دیگران]، فلسفه تکنولوژی، گردآورنده: اعتماد، شاپور، انتشارات مرکز، 1386.
- [26] ریخته‌گران، محمدرضا، پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته، انتشارات ساقی، 1389.
- [27] نصر، سید حسین، انسان و طبیعت، مترجم: گواهی، عبدالکریم، نشر فرهنگ اسلامی، 1379.
- [28] میرجانی، حمید، مکان معماری و معرفت تاریخی، شهر و معماری بومی، شماره 3، 1391.
- [29] خلیلی، نادر، تنهایی دویدن، نشر چشمه، 1388، چاپ سوم.
- [30] خلیلی، نادر، تنهایی دویدن، نشر چشمه، 1388، چاپ سوم.
- [31] مولانا، مثنوی مولوی.
- [32] پازوکی، شهرام، مقدماتی درباره مبادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی مولوی، مجله هنرهای زیبا، شماره 15، 1382.